

پیامدهای احتمالی حمله بازدارنده علیه تأسیسات هسته‌ای ایران

نویسندگان: سامی سلاما و کارن رستر

ترجمه: محسن محمدی الموتی کارشناس ارشد مطالعات استراتژیک

زمانی که عراق و جنگ علیه تروریسم بحث غالب بین المللی است، احتمال حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران موضوع اصلی بحث دولتمردان ایالات متحده آمریکا نخواهد بود. اگر چه گزارش هایی وجود دارد که این موضوع به طور جدی مورد توجه دولت بوش است، اما گویا آنها ترجیح داده‌اند که آن را به تعویق اندازند. در ششم ماه می ۲۰۰۴ نمایندگان کنگره آمریکا قطعنامه‌ای را به تصویب رساندند که در آن از دولت ایالات متحده خواسته شده بود از کلیه ابزارهای مناسب برای بازداشتن و منصرف کردن ایران از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای استفاده کند. اگر قطعنامه‌ای مشابه این قطعنامه در سنا به تصویب برسد، بوش رئیس جمهور امریکا و یا هر دولتی در آینده این اجازه را خواهد داشت که هرگاه ضروری بداند حمله‌ای بازدارنده علیه تأسیسات هسته ایران انجام دهد.

به نظر می‌رسد در اسرائیل طرح و مباحث اندکی بیش تر فرا رفته است برخی در این کشور به طور جدی در فکر حمله‌ای بازدارنده علیه ایران می‌باشند که همانند حمله سال ۱۹۸۱ علیه اسیراک (osirak) منجر به انهدام راکتورهای هسته‌ای عراق شد. میرداگان رئیس سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) در جلسه افتتاحیه‌ای در مقابل اعضای کمیته روابط خارجی و دفاع اسرائیل به نمایندگان مجلس این کشور اظهار داشت: ایران به نقطه غیر قابل بازگشتی نزدیک شده و دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای از آغاز بزرگ‌ترین تهدید علیه اسرائیل است. در یازدهم نوامبر ۲۰۰۳ سیلوان شالوم، وزیر خارجه اسرائیل گفت: «اسرائیل

طرحی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران ندارد. اما کم‌تر از دو هفته بعد از این اظهارات وی طی دیداری از آمریکا گفت: تحت هیچ شرایطی اسرائیل دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای را نخواهد پذیرفت.» و دقیقاً شش هفته پیش از آن، سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) طرح حمله بازدارنده توسط بمب افکن‌های اف ۱۶ علیه تأسیسات هسته‌ای ایران را مطرح ساخته بود. نوشته حاضر موارد زیر را مورد بررسی قرار می‌دهد:

- تأسیسات هسته‌ای ایران که به احتمال زیاد می‌بایست مورد هدف قرار بگیرد؛

- خطرات بالقوه تکثیر سلاح‌های هسته‌ای؛

- سناریوهای احتمالی حملات بازدارنده توسط اسرائیل یا ایالات متحده؛

- پیامدهای احتمالی هر گونه اقدام بازدارنده؛

۱. وضعیت ایران در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)

در هجدهم دسامبر ۲۰۰۳، ایران پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرد که به موجب آن دسترسی و امکان بازرسی‌های سرزده بیش‌تری از تأسیسات هسته‌ای ایران برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وجود خواهد داشت. از آن زمان بازرسان آژانس بازرسی‌های متعددی را در سراسر ایران انجام داده‌اند که اطلاعات جدید بسیاری را پیرامون حدود و تاریخچه برنامه هسته‌ای ایران آشکار کرد. اگر چه ایران به طور کلی آماده جواب‌گویی و همکاری با آژانس شده است، اما هنوز بعضی از موضوعات حل نشده باقی مانده‌اند. برخی از اعضای شورای حکام آژانس به ویژه ایالات متحده آمریکا، ایران را به ادامه برنامه پنهانی سلاح‌های هسته‌ای متهم کرده‌اند که تاکنون مورد تأیید بازرسان آژانس قرار نگرفته است.

آمریکا مدعی است که این اقدام N.P.T. را نقض کرده است. و از این روی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ضروری می‌دانند. شورای حکام در قطعنامه هجدهم جولای ۲۰۰۴، ایران را به سبب خودداری از همکاری کامل، به موقع و داوطلبانه با آژانس خصوصاً در مورد بازدیدهای نیمه‌ماه مارس از اماکن مربوط به برنامه غنی‌سازی و سانتریفیوژ p2 مورد مؤاخذة قرار داد. به علاوه، در حالی که ایران ادعا نموده اطلاعات لازم را در زمان مناسب به آژانس ارائه نموده است، آژانس اعلامیه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ ایران را به خاطر عدم هر گونه اشاره به طرح، تحقیقات، تولید و آزمایشات p2 محکوم کرد و از ایران

خواست تا فوراً برای حل موضوعات حساسی از جمله آلودگی اورانیوم با غلظت پایین و بالا و نیز تولید محدود پلوتونیوم ۲۱۰ و پلوتونیوم گام‌های ضروری را بردارد.

محمد البرادعی دبیر کل آژانس انرژی اتمی از دو راهی پیش روی ایران و عواقب ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت آگاه است. وی بیم آن دارد که اعمال فشار بسیار به ایران این کشور را وا دارد تا تصمیم به خروج از معاهده بگیرد و در این صورت - همان گونه که اخیراً او در جمعی از دانشگاهیان اسرائیل متذکر شد - ایران کره شمالی دوم خواهد بود. البرادعی در پاسخ به متنفدانی که می‌گویند نیت ایران، علی‌رغم فقدان دلایل، مشخص است و با اشاره به فقدان ادله کافی مبنی به مشارکت ایران در برنامه تسلیحات هسته‌ای گفت: ما خدا نیستیم و نمی‌توانیم به نیت دیگران پی ببریم. ایران همچنان اهداف برنامه‌های هسته‌ای خود را صلح‌آمیز می‌داند و البرادعی به دنبال حمایت از راه‌حل دیپلماتیک برای وضعیت فعلی است. به علاوه، روسیه، که در حال ساخت نیروگاه بوشهر می‌باشد، به علت فقدان ادله مستدل مبنی بر استفاده ایران از تسلیحات هسته‌ای با صراحت مخالفت خود را با تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران اعلام کرده است.

اگرچه اخیراً پوتین رئیس‌جمهور روسیه ایران را به قصور در همکاری کامل با بازرسان آژانس متهم کرده است، لکن این کشور بر همکاری کامل ایران در ارائه اطلاعات پای می‌فشارد.

۲. تأسیساتی که با خطر حملات بازدارنده مواجه‌اند.

الف. بوشهر

تأسیسات بوشهر مجتمع راکتورهای آب سبک می‌باشد که در جنوب غربی اصفهان و در منطقه خلیج فارس واقع شده است. ساختن این مجتمع از نیمه سال ۱۹۷۴ و در زمان حکومت محمدرضا پهلوی آغاز شد. به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، آیت‌الله خمینی، که تحقیقات هسته‌ای را غیر شرعی می‌دانست، دستور توقف پروژه را صادر کرد. اما در سال ۱۹۹۴، تهران قراردادی به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار با کشور روسیه برای تکمیل ساخت راکتور بوشهر منعقد کرد.

بوشهر راکتوری ۱۰۰۰ مگاواتی است که پیش‌بینی شده است تا سال ۲۰۰۵ میلادی قابل بهره‌برداری شود. در حدود سیصد نفر از نهند نفر نیروی کار فعال در این مجتمع را

متخصصین و کارگران روسی تشکیل می‌دهند. البرادعی در جریان مذاکرات با ولادیمیر پوتین در اوایل تیرماه ۱۳۸۴، بنابر ارزیابی روسیه و مواضع ایران اظهار داشت که به نظر می‌رسد بوشهر به عنوان کانون نگرانی جامعه بین الملل محسوب نشود؛ زیرا پروژه‌ای است که انرژی برق تولید می‌کند. البرادعی همچنین تصمیم روسیه را مبنی بر بازگردان سوخت مصرف شده به روسیه تحسین کرد. روسیه قصد دارد بعد از دستیابی توافق با ایران و در صورت تضمین بازگشت سوخت‌های مصرفی، سوخت نیروگاه بوشهر را تأمین کند.

مطابق معاهده منع گسترش تا زمانی که تأسیسات هسته‌ای ایران به روی بازرسان آژانس باز است و سوخت مصرفی آن به روسیه باز می‌گردد. بوشهر موجب نگرانی عمده‌ای نیست؛ اما این امر ممکن است در آینده دچار تحول شود.

ایران اظهار داشته است که در آینده می‌خواهد خود سوخت نیروگاه بوشهر را تولید کند. در صورت عدم بازرسی دائم بازرسان آژانس و تحقیقات آنها، اگر مسیر سوخت مصرفی نیروگاه بوشهر جهت تولید پلوتونیوم به سوی تأسیسات پنهانی معطوف شود، خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد. با دستیابی به پلوتونیوم لازم، ایران می‌تواند در زمان کوتاهی سلاح هسته‌ای بسازد.

ب. نظنز

نظنز تأسیسات هسته‌ای محرمانه‌ای است که وجود آن توسط یک گروه از مخالفان سیاسی ایران در پانزدهم اگوست ۲۰۰۳ فاش شد. تصاویر ماهواره‌ای دسامبر ۲۰۰۳ میلادی از این مرکز نشان داد که ممکن است سانتریفیوژ گاز نظنز به منظور غنی‌سازی اورانیوم کاربرد داشته باشد. پس از آن، در اوایل سال ۲۰۰۳، ایران بازرسان آژانس را برای بازدید از تأسیسات در دست ساخت خود در نظنز دعوت کرد.

در جریان بازدید فوریه ۲۰۰۴، مقامات ایران تکمیل قریب الوقوع نیروگاه آزمایشی سوخت غنی‌سازی اورانیوم و ادامه ساخت یک نیروگاه سوخت غنی‌سازی بزرگ را به البرادعی اعلام کردند. به دنبال تکمیل مرکز آزمایش غنی‌سازی سوخت هسته‌ای به طور تقریبی یک هزار جایگاه گاز سانتریفیوژ P1 در آن قرار خواهد گرفت. در جریان بازدید سال ۲۰۰۳ میلادی، بازرسان آژانس از سانتریفیوژهای قابل بهره‌برداری و کاملاً جدیدی در این مجتمع خبر دادند و سپس در همان سال آژانس از احتمال وجود اورانیوم غنی شده و نیروگاه آزمایشی سوخت غنی‌سازی گزارش داد که ادعای ایران مبنی بر عدم انجام فرایندهای غنی‌سازی را نقض می‌کرد.

ایران بیان نمود که ذرات اورانیوم غنی شده با غلظت بالا می‌بایست از روی تجهیزات سانتریفیوژ وارداتی باشد. مجتمع سوخت غنی سازی، بسیار بزرگ است و بخشی از آن در زیر زمین ساخته شده است، که باعث شده است برخی ماهیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را زیر سؤال ببرند. طبق معاهده منع گسترش، در صورت عدم وجود تحقیقات سر زده و تأیید آژانس، تأسیسات نظنز می‌تواند به نگرانی عمده‌ای منجر گردد. با تکمیل این پروژه احتمال آن می‌رود که سالیانه نظنز با به کارگیری بیش از ۵۰,۰۰۰ دستگاه سانتریفیوژ توانایی تولید اورانیوم مورد نیاز برای تسلیحات مختلف را داشته باشد. استخراج اورانیوم از معادن یزد به ایران فرصت می‌دهد تا در تولید سوخت مورد نیاز برای راه‌اندازی ایستگاههای نیروی هسته‌ای به خودکفایی برسد و از سوخت هسته‌ای روسیه بی‌نیاز شود.

ج. اراک

اراک مجتمعی است که دارای دو طرح تأسیساتی آب سنگین می‌باشد. یکی از آن دو، تأسیسات تولید آب سنگین می‌باشد که توسط گروهی از مخالفان ایرانی در اگوست سال ۲۰۰۲ افشا شد. زمانی که بازرسان آژانس در ماه فوریه سال ۲۰۰۳ از این سایت بازدید نمودند، ایران ادعا کرد که درصد تولید آب سنگین برای صادرات به دیگر کشورها بوده است. سه ماه بعد از آن، ایران تصریح کرد که تولید آب سنگین به منظور تعدیل یک راکتور تحقیقاتی آب سنگین در اراک است. دومین تأسیسات هسته‌ای موجود در اراک، راکتور آب سنگین ۴۰ مگاواتی است که ایران اعلام نمود ساخت آن را از سال ۲۰۰۴ آغاز خواهد کرد. با تکمیل این طرح ممکن است چالشی جدی برای معاهده منع گسترش شکل گیرد. راکتور آب سنگین اراک با استفاده از دی اکسید اورانیوم، ایران را برای تولید پولوتونیوم لازم برای مونتاژ تسلیحات هسته‌ای توانمند می‌سازد. برخی گمان می‌کنند که با این نیروگاه ایران قادر است تا سالیانه ۸ تا ۱۰ کیلوگرم پولوتونیوم تسلیحاتی تولید کند که این میزان برای تولید یک یا دو سلاح هسته‌ای در سال کافی است. اما ایران ادعا می‌کند که هدف این نیروگاه صلح‌آمیز است و صرفاً برای تحقیقات و دستاوردهای پزشکی از آن استفاده می‌شود.

۲. حمله بازدارنده علیه ایران در مقایسه با نمونه اسیراک عراق

در هفتم ژوئن ۱۹۸۱ اسرائیل در یک حمله هوایی غافلگیرانه با استفاده از جنگنده‌های اف. ۱۵ و اف. ۱۶، راکتورهای هسته‌ای اسیراک عراق را در ۲۰ کیلومتری جنوب بغداد منهدم

ساخت. اگر اسرائیل درصدد باشد که همانند حمله به اسیراک، به تنهایی اقدام کند و تأسیسات هسته‌ای ایران را مورد حمله قرار دهد، این مسئله چالش بزرگ تری را در مقایسه با اسیراک عراق در پیش روی این کشور قرار می‌دهد. در مقایسه با اسیراک، نطنز، بوشهر و اراک از اسرائیل دورتر می‌باشند. وانگهی، این تأسیسات صدها کیلومتر از یکدیگر فاصله دارند که حمله همزمان به آنها را بسیار مشکل‌تر خواهد نمود.

یفته شاپیر، تحلیل‌گر نظامی اسرائیلی، در این زمینه می‌گوید: «گزینه‌های اسرائیل برای مقابله با تهدیدهای هسته‌ای ایران محدود است. حمله پیشدستانه علیه موشک‌های ایران یا تأسیسات هسته‌ای این کشور بسیار غامض و پیچیده است؛ زیرا این اهداف خیلی دورتر می‌باشند و متعدد و پراکنده‌اند و به خوبی محافظت می‌شوند. تعدادی از آنها نیز در اعماق زمین جای گرفته‌اند. علاوه بر این، بعید است که اسرائیل بتواند از آسمان ترکیه، عربستان سعودی یا اردن برای رسیدن به ایران استفاده کند. ترکیه به علت مخالفت گسترده مردمی، علی‌رغم برخورداری از درآمدهای مالی هنگفت، به ایالات متحده آمریکا اجازه نداد تا برای تهاجم به عراق از خاک این کشور استفاده کند. این مسئله برای دولت ترکیه بسیار مشکل خواهد بود که به تهاجم اسرائیل علیه یک کشور مسلمان دیگر رضایت دهد. عربستان سعودی نیز اخیراً در کشمکش با عناصر جهادی - نظامی داخلی خود می‌باشد که معتقدند حکمرانان خانواده سعود نوکر غرب و کافرند. تحت این شرایط و با توجه به امکان بی‌ثباتی بیش‌تر در موقعیت امنیت داخلی عربستان، برای سعودیها بسیار سخت و خطرناک خواهد بود که به اسرائیل مجوز استفاده از حریم هوایی را برای حمله به ایران صادر کند.

رژیم اردن در موقعیتی شبیه عربستان سعودی قرار دارد. اگر چه این کشور معمولاً بیش‌تر خواسته‌های اسرائیل را برآورده است. اما اگر اسرائیل بخواهد از راه اردن به ایران حمله کند، می‌بایست از فضای هوایی کشور عراق نیز عبور کند که در حال حاضر توسط ایالات متحده کنترل می‌شود. در صورت موافقت ایالات متحده با عبور اسرائیل از حریم هوایی عراق به منظور حمله به ایران، آمریکا در این حمله الزاماً شریک جرم اسرائیل محسوب خواهد شد.

دیگر سناریو احتمالی، حمله ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای است. نیروهای نظامی آمریکا انواع بمبهای هوشمند و مهمات هدایت شونده را در اختیار دارند که در خلال نخستین روزهای آزادسازی عراق طی نبرد «بهت و ترس» مورد استفاده قرار گرفت. حمله

امریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران با استفاده پیاپی از موشکهای کروز تام هاوک و مهمات هدایت شونده بمب‌افکنهای رادارگریز، مطمئناً از هر اقدام اسرائیل مؤثرتر خواهد بود. برآورد میزان خسارت وارده به تأسیسات هسته‌ای ایران دشوار است؛ چرا که بیش‌تر بخشهای حساس این تأسیسات در اعماق زمین ساخته شده‌اند تا در برابر حملات ویرانگر محافظت شوند. به علاوه، ایران برای محافظت از تأسیسات هسته‌ای خود سیستمهای پیشرفته پدافند هوایی روسی خریداری و مستقر کرده است. ایران از سال ۱۹۹۳ تعداد نامشخصی موشکهای S-۲۰۰ P.M.U. از روسیه خرید و نیز طی سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ میلادی این کشور و بعضی دیگر از کشورهای خاورمیانه تعداد زیادی موشکهای S-۲۰۰ ساخت روسیه خریداری کرده‌اند. محموله‌های اخیر ممکن است شامل نوع پیشرفته موشکهای S-۲۰۷ باشد.

۴. پیامدهای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران

الف. تأثیر بر برنامه هسته‌ای ایران

بر خلاف باور عمومی، به نظر می‌رسد که حمله اسرائیل در ۱۹۸۱ به اسیراک عراق نتوانسته است امیدهای هسته‌ای عراق را متوقف کند. اگر چه به طور موقت تواناییهای این کشور را به عقب انداخت، اما در عوض منجر به تقویت و افزایش میل صدام به زرادخانه هسته‌ای شد.

عماد خدوری دانشمند هسته‌ای عراق ادعا می‌کند که حمله بازدارنده اسرائیل علیه راکتور تاموز ساخت فرانسه عراق - که به هیچ روی برای تولید پولوتونیوم مناسب نبودند - برنامه صدام حسین برای دستیابی به جنگ‌افزارهای اتمی را فعال‌تر کرد و رهبر عراق را به شروع یک برنامه تسلیحاتی کامل واداشت.

خدیر حمزه دیگر دانشمند هسته‌ای عراق و یکی از مخالفان برجسته عملیات آزادسازی عراق و سرنگونی حکومت صدام، ارزیابی تقریباً مشابهی دارد. وی به خبرنگار سی.ان.ان. گفت: «در واقع آنچه اسرائیل انجام داد، دفع خطر [فوری] بود؛ اما در بلند مدت خطر بزرگ‌تری را پدید آورد. در ابتدای برنامه هسته‌ای عراق، ما حدود ۴۰۰ دانشمند و کارشناس بودیم و تا قبل از حمله اسرائیل به این راکتور، ۴۰۰ میلیون دلار به این برنامه اختصاص یافته بود؛ اما پس از حمله اسرائیل به راکتور، تاموز، شمار دانشمندان و

متخصصین به ۷۰۰۰ نفر و بودجه برنامه هسته‌ای سری عراق برای تولید بمب با اورانیوم غنی شده به ۱۰ میلیارد دلار رسید. با کنار گذاشتن راکتور تولید تسلیحات پلوتونی، سراغ غنی‌سازی اورانیوم رفتیم... اسرائیلی‌ها گمان می‌کردند که ما سالیانه ۷ کیلوگرم پلوتونیوم خواهیم داشت که برای تولید یک بمب کفایت می‌کند. آنها می‌ترسیدند و در نتیجه آن را بمباران کردند. در حقیقت، این مسئله به این بزرگی نبود؛ چرا که می‌توانست خیلی بیش‌تر به طول بینجامد؛ اما با ساخت پنهانی یک راکتور دیگر می‌توانستیم سالیانه شش بمب بسازیم.» علاوه بر این، دکتر حمزه در کتابش به نام «صدام سازنده بمب» اظهار می‌دارد: «متعاقب انهدام تأسیسات اتمی اسیراک در ۱۹۸۱، صدام تصمیم گرفت اشتباه متمرکز نمودن همه تجهیزات هسته‌ای در یک محل شناخته شده را تکرار نکند.»

عراق به کمک شوروی و با پرداختن به برنامه سری هسته‌ای خود هم‌زمان به اختفای تأسیسات غنی‌سازی آنها را گسترش داد. بسیاری از این تأسیسات به شکل انبار یا مدرسه درآمد و بسیاری دیگر در خانه‌های کشاورزان مخفی شده بودند. همه اینها برای گمراه کردن بازرسان آژانس و جلوگیری از کشف پتانسیل واقعی هسته‌ای عراق صورت گرفت. تجاوز صدام در سال ۱۹۹۰ به کویت و مشکلات دستیابی به مواد هسته‌ای قابل شکافت، امیدهای هسته‌ای عراق را محکوم به فنا کرد. قبل از این حمله، با برنامه هسته‌ای عراق برای تولید مواد هسته‌ای قابل شکافت برای بمب‌های اتمی به سرعت پیش می‌رفت با این فرض که می‌توان به اورانیوم دست پیدا کرد. حمله عراق به کویت همه چیز را تغییر داد و قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت سازمان ملل را رقم زد که به موجب آن مالکیت هر گونه برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی برای عراق ممنوع می‌باشد. شکست عراق در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، به علاوه تحریم و بازرسی‌های سازمان ملل برای بیش از یک دهه توانایی ساخت بمب و دستیابی به فناوری هسته‌ای را از عراق سلب کرد. در مورد ایران نیز دلیلی وجود ندارد که پیامد حمله به تأسیسات هسته‌ای در بوشهر، اراک یا نظنز متفاوت از اسیراک باشد. چنین حمله‌ای احتمالاً موجب تقویت امیدهای هسته‌ای ایران در دراز مدت و جسارت این کشور می‌شود.

به رغم فقدان برنامه تولید سلاح هسته‌ای از سوی ایران، بازرسان آژانس تاکنون دلایلی برای آن پیدا نکردند؛ اما حمله بازدارنده توسط ایالات متحده یا اسرائیل، برای ایران توجیه و انگیزه پیگیری برنامه پنهان هسته‌ای را بدون مزاحمت بازرسان آژانس فراهم می‌کند.

چنین حمله‌ای نه تنها از سوی ایران بلکه عمده جامعه بین‌المللی به عنوان اقدامی تجاوزکارانه محسوب می‌شود و تنها باعث سست شدن ائتلاف سیاسی فعلی موجود علیه ایران می‌گردد.

به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین مشکل این سناریو آن است که برخلاف عراق در سال ۱۹۸۱، ایران به واردات فناوری هسته‌ای خارجی وابسته نیست و مواد اولیه و بسیاری از طراحی‌ها و تکنیک‌های مورد نظر را برای پیگیری برنامه‌های هسته‌ای خود در اختیار دارد.

ایران از دانش هسته‌ای لازم برخوردار است و تاکنون کلیه مراحل چرخه سوخت هسته‌ای را تولید کرده است. اضافه بر این، ایران دارای معادن اورانیوم در استان یزد است و برای تولید کیک زرد و تبدیل آن به گاز هگزا فلوراید اورانیوم مشغول ساخت ماشین آلات سنگ شکن و دستگاه‌های میدل می‌باشد. ایران همچنین ساخت سانتریفیوژهای گاز را که در غنی‌سازی اورانیوم کاربرد دارد، آغاز کرده است. حتی اگر نطنز، اراک و بوشهر در حمله بازدارنده منهدم شوند، ایران احتمالاً تجهیزات دیگری در اختیار دارد که می‌تواند آنها را فعال نماید، و در دراز مدت برای ادامه برنامه هسته‌ای خود به طور جدی‌تر و ناآرام‌تر دانش لازم را دارا می‌باشد.

ب. تأثیر بر روابط ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اتحاد بین‌المللی

در صورت وقوع حمله بازدارنده بی‌دلیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، به حق این کشور می‌تواند نیاز خود را به تسلیحات هسته‌ای برای دفاع در برابر تجاوز و محافظت از حاکمیتش توجیه کند. و قاطعانه نیت خود را برای خروج از معاهده منع گسترش اعلام نماید و موج بین‌المللی را تغییر دهد. با توجه به عدم اثبات مسئله سلاح‌های کشتار جمعی در عراق، بدون شک چنین حمله‌ای علیه ایران، انزوای دیپلماتیک آمریکا و اسرائیل را در پی خواهد داشت. از این روی، پیامدهای دیپلماتیک کاربردی حمله علیه ایران ارزش شامل دارد. در پی چنین حمله‌ای، بسیار بعید است که ایالات متحده بتواند اعضای شورای امنیت سازمان ملل را برای ایران متقاعد نماید. بدون تحریم‌های بین‌المللی ایران قادر خواهد بود منابع مالی و انسانی گسترده‌ای را به برنامه هسته‌ای خود اختصاص دهد. اگر نمونه اسیراک عراق گواه این مسئله باشد، احتمالاً ابعاد برنامه هسته‌ای ایران به طور جدی بزرگ‌تر خواهد شد. و در این صورت، دولت ایران برنامه هسته‌ای گسترده‌ای را به عنوان عامل بازدارنده دشمنان خود دنبال خواهد کرد. در صورت حمله بدون دلیل به ایران، این کشور برای نادیده

گرفتن محدودیت‌های معاهده، عذر موجهی به دست می‌آورد. که تهدید هسته‌ای بزرگ‌تری خواهد بود. بدون هر گونه قید و بند، ایران برای تولید سانتریفیوژهای گازی و استخراج، سنگ شکنی، تبدیل و غنی سازی اورانیوم ابزار و فناوری لازم را خواهد داشت.

ایران حتی تحت نظارت‌های سرزده بازرسان آژانس بیش از ۹۲۰ دستگاه سانتریفیوژ را تولید کرده است که ۱۲۰ عدد از این سانتریفیوژها طی دو ماه و نیم یعنی از نوامبر ۲۰۰۳ تا اواسط ژانویه ۲۰۰۴ مونتاژ شده‌اند. برای غنی‌سازی اورانیوم و تولید یک بمب هسته‌ای ایران نیازمند ۷۵۰ دستگاه سانتریفیوژ گاز در هر سال است. اگر ایران از N.P.T. کناره‌گیرد و ابعاد برنامه هسته‌ای خود را گسترش دهد، قادر خواهد بود با تولید و مونتاژ دستگاه‌های سانتریفیوژ گاز بیش‌تر، سریعاً اورانیوم، غنی‌سازی کند. زمانی که مواد موشکی کافی تولید شود، به سادگی می‌توان طرح یک جنگ هسته‌ای را عمل کرد. در صورت فقدان بازرسی‌های سرزده یا تهدید تحریم‌های شورای امنیت، تنها راه جلوگیری ایران از دستیابی به توانایی تسلیحات هسته‌ای، اشغال این کشور می‌باشد که با توجه به چالش‌های جدی آمریکا در مقابله با عراق، رخدادی غیر متحمل است.

ج. تأثیر بر روابط آمریکا و روسیه

حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران همچنین وقوع بحران دیپلماتیک میان آمریکا و روسیه را تسهیل می‌کند. فدراسیون روسیه نه تنها مهم‌ترین عرضه‌کننده فناوری و آموزش دهنده هسته‌ای به ایران است، بلکه گزارش شده است که صدها دانشمند و تکنسین روسی در بوشهر کار می‌کنند. حمله بازدارنده به بوشهر ممکن است موجب کشته شدن تعداد زیادی از پرسنل ایرانی و روسی گردد. ادامه این بحران دیپلماتیک می‌تواند نه تنها بر روابط تجاری آمریکا و روسیه تأثیر جدی بگذارد بلکه همکاری در امور بین‌المللی از جمله جنگ علیه تروریسم را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد.

د. تأثیر بر سیاست‌های مردمی ایران

حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، که از دید بسیاری از ایرانیان به عنوان نماد غرور ملی و پیشرفت فناوری محسوب می‌شود، توجیه لازم برای تشدید سخت‌گیری بر ناراضیان و میانه‌روان - که تندروان ایرانی به آنها مارک ارتباط با «قدرت‌های خارجی» را می‌زنند - فراهم می‌آورد.

۵. پاسخ‌های احتمالی به حمله علیه دولت محافظه کار ایران

بر خلاف عراق که در سال ۱۹۸۱، در بحبوحه جنگ با ایران به سر می‌برد و ابزارهای نظامی کافی برای تلافی حمله اسرائیل به راکتورهای هسته‌ای اسیراک را در اختیار نداشت، ایران نه تنها قادر است بلکه به احتمال زیاد، به حمله بازدارنده علیه تأسیسات هسته‌ای خود واکنش نشان می‌دهد. مقامات مختلف ایران متفق القولند که عکس العمل قاطعی به چنین رخدادی نشان می‌دهند. در پنجم ماه جولای سال ۲۰۰۴، آیت الله خامنه‌ای در جریان سفر به همدان در غرب ایران و در جمع هزاران نفری مردم گفت: «ایالات متحده می‌گوید که ما [ایران] منافع آنها را به مخاطره انداخته‌ایم. اگر کسی به ملت ما تجاوز کند، ما منافع آنها را در سراسر دنیا به مخاطره می‌اندازیم». در ماه دسامبر سال ۲۰۰۳ میلادی، فرمانده نیروی هوایی ارتش در پاسخ به اظهارات شائول مفاز وزیر دفاع اسرائیل گفت: «اگر اسرائیل به ایران حمله کند، قبر خودش را حفر کرده است». با در نظر گرفتن سیاست سرمایه گذاری مالی و مردمی ایران در پروژه هسته‌ای، حمله به این تأسیسات، موجب واکنش فوری ایران خواهد شد.

الف. تلافی فوری حملات موشکی و حمله متقابل ایران

منابع اطلاعاتی نشان می‌دهد که ایران دارای بیش از ۵۰۰ موشک بالستیک شهاب است. بیش‌تر این موشکها شهاب ۱ و ۲ هستند که ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر برد و ۷۰۰ تا ۹۸۵ کیلوگرم قابلیت حمل مواد دارند. با این موشکها ایران قادر است به پایگاه‌های نظامی آمریکا در عمان، قطر، کویت و عراق حمله کند. ایران همچنین بین ۲۵ تا ۱۰۰ موشک بالستیک شهاب ۳ در اختیار دارد که نمونه آن را طی یک مانور نظامی در سالگرد جنگ ایران و عراق به نمایش گذاشت. موشک شهاب ۳، ۱/۳۰۰ کیلومتر برد و ۷۰۰ کیلوگرم قابلیت حمل مواد دارد و می‌تواند به شهرها و پایگاه‌های نظامی اسرائیل برسد، ایران می‌تواند چندین موشک بالستیک خود را به سمت اسرائیل و پایگاههای آمریکا در منطقه پرتاب کند. نیروی ویرانگر این موشک‌های بالستیک نباید دست کم گرفته شود. گرچه دقت موشک‌های بالستیک اسکاد ایران نسبتاً ضعیف است، و به اندازه موشک‌های کروز هدایت شونده آمریکا دقیق نمی‌باشند، اما به مراتب از موشک‌های «الحسین» عراق با دایره خطای ۱ تا ۲ کیلومتر که در سال ۱۹۹۱ به سمت اسرائیل پرتاب شد، دقیق‌ترند و قابلیت حمل مواد

بیشتری را دارند. برخی مقامات اسرائیلی می‌گویند: در عوض اینکه به ایران فرصت دهیم موشک‌های فعلی خود را اصلاح کند و موشک‌های شهاب ۴ بسازد، بهتر است هم اکنون با این کشور وارد جنگ شویم. بنابر شواهد به جای مانده از اصابت یک موشک اسکاد عراق به عربستان سعودی در سال ۱۹۹۱ حملات موشکی متعدد با کلاهک‌های بزرگ می‌تواند مرگبارتر باشد. در واقعه مزبور که به کشته شدن ۲۸ نفر و زخمی شدن ۲۸ تن دیگر انجامید، یکی از مرگبارترین اتفاقات کل جنگ برای نیروهای آمریکایی رقم خورد. از سویی دیگر، حتی با توجه به پیشرفت نسبی دقت این موشک‌ها به نظر می‌رسد که ایالات متحده و اسرائیل بخواهند چنین خطری را بپذیرند. آنها مدعی‌اند که با سیستم دفاع ضد موشکی خود به خوبی می‌توانند حمله موشک‌های شهاب ۳ ایران را خنثی کنند؛ زیرا مدعی‌اند که این سیستم قادر به دفاع از اسرائیل در برابر موشک شهاب ۳ می‌باشد. آریو هزرزوک، رئیس برنامه دفاعی موشکی اسرائیل در وزارت دفاع این کشور در هشتم جولای ۲۰۰۳ اظهار داشت: «ما قادریم تا در برابر هر آنچه ایرانیان امروز در اختیار دارند، دفاع کنیم که همان شهاب ۳ است». ارزیابی این مطلب که سیستم ضد موشک اسرائیل (آرو) بتواند موشک شهاب ۳ ایران را پیش از رسیدن به هدف و در هوا خنثی کند، بسیار مشکل است. در سال ۱۹۹۱ آمریکا سیستم ضد موشکی خود را در عربستان مستقر کرد و هدف موشک‌های اسکاد علیه اسرائیل بود و در جریان جنگ خلیج فارس مقامات آمریکا بارها ادعا کردند که قادرند بیش‌تر موشک‌های اسکاد عراق را به طرف اسرائیل و عربستان پرتاب می‌شوند، رهگیری و خنثی کنند. تحقیق و بررسی کنگره آمریکا درباره عملکرد سیستم ضد موشکی آمریکا آشکار ساخت که ادعاهای دولت آمریکا درباره موفقیت سیستم دفاعی این کشور با اهداف سیاسی اغراق‌آمیز بوده است و در حقیقت این سیستم کم‌تر از ۱۰ درصد در رهگیری موشک‌های اسکاد عراق موفقیت داشته است. مسئول این تحقیق اظهار داشت بنابر شواهد موجود از هر ۴۴ رهگیری، تنها ۲ تا ۴ رهگیری موفقیت‌آمیز بوده است. بعد از یک دهه، در جریان عملیات آزاد سازی عراق گزارش‌های اخبار فاش کرد که سیستم ضد موشکی پاتریوت آمریکا در عملکرد خود دچار نقصان است، زیرا در عوض رهگیری موشک‌های عراق، هواپیماهای جنگی و خودی را تعقیب و منهدم می‌کند و نه تنها سیستم ضد موشک آرو اسرائیل بر روی کاغذ موفق به نظر برسد، بلکه در آخرین آزمایش این سیستم در بیست و نهم جولای ۲۰۰۴ در سواحل کالیفرنیا به طور موفقیت‌آمیزی توانست موشک‌های توقیف

شده اسکاد عراق را رهگیری کند، اگرچه توان واقعی این سیستم در میدان جنگ هنوز به رویت نرسیده است.

ب. بی‌ثباتی عراق

واکنش بالقوه و بسیار خطرناک ایران به حمله آمریکا یا اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای این کشور ممکن است به صورت تلاشی جدی و مستمر برای بی‌ثبات کردن عراق بروز کند. نیروهای ائتلاف در عراق با حملات مهلکی مواجه شده‌اند که عمدتاً از سوی سنی‌های عراق و تعداد کمی از عناصر مجاهد خارجی است که برای حمله به آمریکا وارد عراق شده‌اند. عملیات انتحاری و حملات نارنجکی تقریباً هر روز رخ می‌دهد و جان هزاران نیروی ائتلافی و هزاران عراقی که بیش‌تر اهل تشیع‌اند را می‌گیرد، شورشیان مقامات عراقی را نیز که با نیروهای ائتلافی همکاری می‌کنند، مورد هدف قرار داده‌اند. تاکنون، جز مقتدا صدر و سربازان سپاه مهدی او، شیعیان عراق در قبال وضعیت پیش‌رو، راهکاری واقع‌بینانه در پیش گرفته‌اند. بیش‌تر رهبران شیعی عراق و پیروان آنها نه با حضور آمریکا در عراق مخالف‌اند و نه از سرنگونی صدام ناراضی‌اند. در واقع، بیش‌تر اهل تشیع عراق با خویشتن‌داری خود را درگیر جنگ داخلی نکرده‌اند؛ با این منطق که اکثریت شیعیان عراق اولین ذی‌نفع انتخابات مردمی ماه ژانویه خواهند بود.

تاکنون ایران و متحدان این کشور در منطقه، اهل تشیع عراق را تشویق کرده‌اند تا با خویشتن‌داری، در برابر تحریکات اسف‌انگیزی همانند بمب‌گذاری در حرم امام حسین (ع) و امام علی (ع) در برقراری ثبات اجتماعی تلاش کنند. بسیاری در ایران معتقدند که برقراری ثبات توسط دولت شیعه در عراق به دلیل وابستگی‌های مذهبی و تاریخی با ملت ایران، منافع بیش‌تری برای ایران خواهد داشت. به هر حال، در صورت حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، این کشور برای انتقام‌جویی بهانه پیدا خواهد کرد. در صورت چنین حمله‌ای، نیروهای قابل توجهی از سپاه پاسداران انقلاب وارد خاک عراق خواهند شد و جنگ چریکی تمام‌عیاری را علیه نیروهای آمریکا آغاز خواهند نمود و نیروهای اطلاعاتی ایران می‌توانند با ترغیب اکثریت شیعه عراق به درگیری با آمریکایی‌ها، شورش‌های همه‌جانبه علیه نیروهای ائتلاف به راه بیندازند.

ج. فهرست متحدین ایران بعد از جنگ عراق

بسیاری از گروه‌های عمده اهل تشیع عراق، به سبب زمینه‌های مشترک مذهبی فرهنگی و تاریخی ارتباط نزدیکی با ایران دارند. اهل تشیع ایران و عراق در طول قرن‌ها درگیری با

اکثریت پر تعداد و گاه متخاصم اعراب اهل تسنن خاورمیانه، غالباً طرف مغلوب نزاع بوده‌اند. شیعیان عراق از نخستین دشمنان صدام و قربانیان او بوده‌اند. ده‌ها هزار نفر از آنها توسط حزب سکولار بعث حاکم کشته شدند، زندانی گشتند و مورد شکنجه قرار گرفتند. ایران به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، هدف تجاوز صدام و حادثه جویی نظامی او شد. و در طول هشت سال جنگ که با تجاوز عراق در سال ۱۹۸۰ به قلمرو ایران آغاز شد، ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر ایرانی زخمی شدند و ۶۰ هزار تن از آنان با سلاح‌های شیمیایی صدام کشته شدند. در زمان حاکمیت حزب بعث بسیاری از شیعیان عراق از ظلم حکومت ستمگر صدام گریختند و به ایران پناهنده شدند. از این روی، بسیاری از شخصیت‌های شیعه عراقی و سازمان‌های آنان در ایران ریشه‌ها و روابط عمیقی دارند. تعداد همپیمانان ایران در عراق بی‌شمار است. آیت الله سیستانی با نفوذترین و عالی رتبه‌ترین روحانی عراق یک ایرانی ساکن نجف است.

مجلس اعلای انقلاب اسلامی، به ریاست عبدالعزیز حکیم، که یکی از دو سازمان مهم شیعه در عراق است، توسط آیت‌الله محمد باقر حکیم در سال ۱۹۸۲ در ایران تأسیس شد. لشکر بدر، شاخه نظامی این سازمان در ایران توسط سپاه پاسداران آموزش دید. حزب الدعوة که در دهه ۵۰ میلادی تأسیس شد از جمله با سابقه‌ترین احزاب شیعه در عراق محسوب می‌شود. این گروه در دهه هفتاد میلادی با حمله و هجمه به رژیم صدام شهرت یافت. پس از سرکوب حزب الدعوة اکثر اعضای این گروه عراق را ترک کرده، و به دو شاخه تقسیم شدند. یک شاخه آن در ایران و دیگری در لندن مستقر شدند. شاخه ایرانی حزب الدعوة در تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در ایران در سال ۱۹۸۲ مشارکت داشت. همچنین اعضای کنگره ملی عراق ارتباطات بسیار قوی با ایران دارند. به هر حال، در صورت حمله آمریکا یا اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران این احتمال وجود دارد که ایران تلاش کند تا از فهرست متحدین وسیعش در عراق برای فشار به متحدین آمریکا و برانگیختن کشمکش بین نیروهای آمریکا و شیعیان عراق استفاده کند.

در صورت بروز چنین واقعه‌ای ضایعات آمریکا در عراق به شدت افزایش خواهد یافت و عراق به لبنان دوم در جریان جنگ داخلی تبدیل خواهد شد. بروز چنین واقعه‌ای در عراق، منافع آمریکا را در خاورمیانه با خطر مواجه می‌سازد و هر دستاوردی، که حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را در برداشته باشد، از میان می‌رود. واقعیت این است که سودمندی

استراتژیک حمله موفقیت‌آمیز پیشدستانه به تأسیسات هسته‌ای ایران در صورت غرق شدن آمریکا در باتلاق عراق کوتاه و موقتی خواهد بود.

نتیجه:

حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در بوشهر، اراک و نطنز، می‌تواند متفاوت و مغایری بر منافع آمریکا در خاورمیانه و جهان بگذارد. مهم‌ترین آن اینکه فقدان شواهد و مدارکی مبنی بر برنامه هسته‌ای غیر قانونی ایران، موجب خواهد شد موقعیت بین‌المللی ایران تقویت شده از تهدید قطعنامه‌های بین‌المللی علیه ایران کاسته شود. این واقعه به احتمال زیاد تجهیزات هسته‌ای ایران و قابلیت‌های آن را در آینده طولانی تقویت می‌کند و توسعه می‌بخشد.

مقامات بلند پایه آمریکا از جمله بوش از احتمال ارتباط بین ایران و شبکه القاعده سخن گفته‌اند. این گونه اظهارات گاهی با خبرهای مربوط به حمله پیشدستانه احتمالی علیه ایران همراه می‌شود. آیا این گونه اظهارات و اخبار کاربرد داخلی برای آمریکا دارد و حکومت آمریکا در صدد جلب حمایت مردم آمریکا برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران است؟ به هر حال، سخن درباره حمله پیشدستانه به تأسیسات هسته‌ای ایران چه یک سناریو احتمالی باشد و چه یک بلوف و عنوان ژورنالیستی، یک چیز مسلم است و آن اینکه واقعا مشابه اسیراک نخواهد بود و پیامدهای متفاوت همراه خواهد داشت.^۱

پی‌نوشتها:

۱. منبع "Center for Non Proliferation Studies" C.N.S.